ناکامی نقشه سیاه برای پول گرفتن از پسر نمایشگاه‌دار

دختر تتوکار وقتی نتوانست از پسر نمایشگاه‌دار پول بگیرد، پای او را به یک پرونده سیاه باز کرد.

به گزارش خبرنگار ما، چندی قبل زن جوانی به مأموران پلیس خبر داد که سه پسر جوان او را فریب دادند و به وی تعرض کرده‌اند. او در شرح ماجرا گفت: مدتی بود که قصد داشتم یک خودروی هیوندای کوپه زرد رنگ بخرم. یکی از دوستانم پسری به نام سجاد را معرفی کرد و گفت که پدر سجاد صاحب نمایشگاه ماشین است. وقتی با سجاد تماس گرفتم و مشخصات ماشین را دادم، گفت که خودرویی با همین مشخصات در نمایشگاه دارند. قرار شد که من را به نمایشگاه ببرد تا ماشین را بخرم. ابتدا خودروی ۲۰۶ خود را فروختم. آن روز ۵ هزار دلار، ۳۷۰ هزار تومان پول نقد و دسته‌چک و کارت‌های عابربانکم را برداشتم و با آژانس به طرف محل قرار که در شرق تهران بود، حرکت کردم. وقتی به محل قرار رسیدم، سجاد و دو نفر از دوستانش که سوار پراید بودند از راه رسیدند. بعد سوار ماشین آنها شدم و حرکت کردند تا اینکه خودرو مقابل ساختمانی چند طبقه توقف کرد. سجاد گفت که مدارک هیوندا داخل آپارتمانش است و از من دعوت کرد به خانه‌اش بروم که قبول کردم. وقتی وارد شدم متوجه شدم که سجاد و دوستانش نقشه‌ای شوم دارند. آنها به زور به من تعرض کردند و پول و دلارهایم را سرقت کردند. سجاد تهدیدم کرد که شکایت نکنم وگرنه من را می‌کشد. بعد از خانه بیرون رفتم و سوار یک ماکسیما شدم و از راننده خواستم من را به خانه‌ام برساند، اما متوجه شدم که آن مرد هم نیت بدی دارد. هر طور که بود خودم را نجات دادم و به اداره پلیس آمدم.

بعد از مطرح شدن شکایت، سه متهم به دستور قاضی سجادمنافی‌آذر شناسایی و بازداشت شدند. آنها در بازجویی‌ها گفتند که حرف‌های زن جوان دروغ است. سجاد در شرح ماجرا گفت: من می‌خواستم روی بدنم خالکوبی کنم. یکی از دوستانم مهسا را به من معرفی کرد که با او تماس گرفتم و قرار شد به خانه‌ام بیاید و خالکوبی را انجام دهد. آن روز حین خالکوبی بدنم درد گرفت و منصرف شدم. بعد درباره ماشین حرف زد و اصرار داشت مقداری پول به او قرض بدهم که قبول نکردم. او عصبانی شد و خانه را ترک کرد و حالا هم مدعی شده به او تعرض کرده‌ایم. کارآگاهان که متوجه تناقض‌گویی مهسا شده بودند، بار دیگر از وی تحقیق کردند.

زن جوان در نهایت حقیقت را فاش کرد و گفت: پدر سجاد وضع مالی خیلی خوبی دارد و من می‌خواستم از او پول بگیرم که پرداخت نمی‌کرد. من هم عصبی شدم و برای اینکه از او انتقام بگیرم، این شکایت را مطرح کردم. بعد از ثبت اظهارات زن جوان پرونده برای رسیدگی بیشتر به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

قتل جوان معترض به عربده‌کشی

سه موتورسوار که مشغول عربده‌کشی در میدان مطهری قم بودند، وقتی با اعتراض جوانی رهگذر مواجه شدند، وی را به قتل رساندند.

سرهنگ احمد کرمی، رئیس پلیس آگاهی قم گفت: براساس تحقیقات پلیس، این حادثه حدود ساعت ۲۱:۳۰ شامگاه جمعه در میدان شهید مطهری این شهر اتفاق افتاد که در جریان آن سه‌موتورسیکلت‌سوار در این مکان شروع به عربده‌کشی کردند. وی ادامه داد: وقتی یک جوان ۲۰ ساله نسبت به کار آنها معترض شد، یکی از موتورسوارها او را با چاقو و از ناحیه کتف مجروح کرد. سرهنگ کرمی گفت: جوان مجروح به بیمارستان شهید بهشتی قم منتقل می‌شود، اما متأسفانه جان خود را از دست داد. وی از شناسایی و دستگیری این سه موتورسوار خبر داد و افزود: ضارب اصلی به جرم خود اعتراف کرد.

چرخاندن ۸ نفر از اوباش پاکدشت در شهر

هشت نفر از اوباش پاکدشت با حکم دادستان این شهرستان در شهر چرخانده شدند.

این افراد، روز جمعه در منطقه «حصار امیر» و «شهرک انقلاب» پاکدشت با قمه شیشه‌های تعدادی از خودروها را شکستند که با تلاش مأموران نیروی انتظامی و کلانتری ۱۴ «حصار امیر» دستگیر شدند. این مراسم با استقبال مردم برگزار شد و مردم با سر دادن شعارهایی از اقتدار نیروی انتظامی در برخورد سریع و قاطع با این اشرار و تأمین امنیت در شهرستان پاکدشت، تقدیر کردند. سرهنگ سلمان آدینه‌وند، به مهر گفت: برهم زنندگان آسایش و امنیت مردم بدانند، نیروی انتظامی با اقتدار با افرادی که برای مردم ایجاد ناآرامی می‌کنند، برخورد خواهد کرد و اجازه ایجاد ناامنی در منطقه را نخواهد داد.

فرجام خونین اختلاف خانوادگی

دعوای زوج جوان در شهرستان گرمسار با قتل شوهر پایان گرفت.

این حادثه شامگاه جمعه در شهرستان گرمسار اتفاق افتاد و زمانی که مأموران پلیس در محل حاضر شدند، معلوم شد که مرد ۲۸ ساله با ضربه چاقو کشته شده است. همسر ۲۳ ساله مقتول که در محل حاضر بود، به قتل اعتراف کرد و گفت: لحظاتی قبل به خاطر اختلاف خانوادگی با شوهرم مشاجره کردم. وقتی دعوایمان بالا گرفت به آشپزخانه دویدم، چاقویی برداشتم و به شوهرم ضربه زدم که کشته شد. سرهنگ ابوذر قربانی، فرمانده انتظامی شهرستان گرمسار گفت: تحقیقات بیشتر در این باره جریان دارد.

خواب گورکن ناجی رقیب عشقی شد

خواب ماندن مردی که قرار بود در جریان انتقام عشقی در نقش گورکن وارد شود، سبب شد تا رقیب زخمی به طور معجزه‌آسا به زندگی بازگردد.

به گزارش خبرنگار ما، اواخر اسفندماه سال قبل راننده یک کمباین که در حال عبور از جاده‌ای متروکه در بیابان‌های اراک بود، با دیدن پیکر نیمه‌جان مردی جوان به کمک او شتافت و مرد زخمی را به بیمارستان منتقل کرد. مرد ۳۵ ساله که اشکان نام دارد، خیلی زود تحت مراقبت‌های پزشکی قرار گرفت و از مرگ حتمی فاصله گرفت. او در شرح ماجرا به مأموران پلیس که برای تحقیق از او در محل حاضر شده بودند، گفت: چند ساعت قبل به خانه نامزدم در غرب تهران رفته بودم که زنگ خانه را زدند. مردی ناشناس از من خواست که ماشین آزاراام را که مقابل خانه پارک کرده بودم، جابه‌جا کنم. سوئیچ ماشین را برداشتم و به کوچه رفتم. وقتی داخل ماشین نشستم، سه مرد قمه به دست سوار شدند. آنها با تهدید، من را به بیابان‌های اراک آوردند و بعد از بریدن گلویم رهایم کردند و گریختند تا اینکه به طور معجزه‌آسایی از مرگ نجات پیدا کردم.

بعد از آن بود که پرونده روی میز قاضی سهرابی، بازپرس شعبه نهم دادسرای امور جنایی تهران قرار گرفت. کارآگاهان خیلی زود خودروی شاکی را در یکی از بزرگراه‌های پایتخت کشف کردند. آنها همچنین موفق شدند یکی از متهمان پرونده را بازداشت کنند.

او گفت به دستور سردسته باند وارد سناریو شده، اما در بین راه از آنها جدا شده است. متهم گفت: اختلاف سردسته با شاکی بر سر یک دختر بود که به این حادثه منجر شده است. بعد از آن بود که تحقیقات برای بازداشت سردسته باند به جریان افتاد و کارآگاهان موفق شدند شامگاه جمعه متهم ۲۲ ساله را که مهدی نام داشت، بازداشت کنند. او روز گذشته وقتی مقابل بازپرس قرار گرفت، بریدن گلوی شاکی را قبول کرد، اما آدم‌ربایی را انکار کرد. شاکی هم که در جلسه حضور داشت، در شرح ماجرا گفت: روز حادثه در خانه نامزدم بودم که متهمان من را به بهانه جابه‌جا کردن ماشین از خانه بیرون کشیدند و ربودند. در بین راه مهدی تلفنی از شخص خواست که تا رسیدن ما قبر را آماده کند. وقتی به محل رسیدیم از گورکن خبری نبود. مهدی چند بار با او تماس گرفت، اما به تماس‌ها جواب نداد. سرانجام خودش گلویم را برید و همدستش طنابی به دور گردنم انداخت و فشار داد. بعد با احتمال اینکه فوت شده‌ام، من را رها و ماشینم را سرقت و فرار کردند. هنگام رفتن، شنیدم که مهدی با گورکن تماس گرفت. مرد گورکن مدعی بود که خواب مانده به هر حال آنها من را رها کردند و رفتند. بعد از آن اشهدم را خواندم؛ چراکه آنجا محلی متروکه بود و خونریزی زیادی داشتم تا اینکه معجزه‌ای اتفاق افتاد و در آن خلوتی راننده کمباین من را از مرگ حتمی نجات داد.

سپس مهدی، متهم اصلی در شرح ماجرا گفت من چند سالی با دختری به نام شراره که حالا نامزد شاکی شده دوست بودم. او چند روز قبل با من تماس گرفت و گفت که شاکی او را فریب داده است و از من خواست از او زهر چشم بگیرم که قبول کردم. روز حادثه اشکان با میل خودش سوار ماشین شد تا درباره شراره با هم حرف بزنیم. در راه مشاجره‌مان بالا گرفت.

اشکان چاقو کشید و ضربه‌ای به من زد که زخمی شدم. من هم چاقو همراهم بود که به او ضربه زدم. قاضی سؤال کرد اگر قصد شما گرفتن زهر چشم بود، چرا گلویش را بریدید که متهم بار دیگر حرف‌های خودش را تکرار کرد. او همچنین منکر کندن قبر برای شاکی شد و گفت حرف‌های شاکی را قبول ندارد. تحقیقات پلیس برای بازداشت همدستان متهم در جریان است.

قتل در جاده شمال با تصادف ساختگی

مرد محکوم به مرگ که متهم است در جریان تصادف ساختگی مرتکب قتل شده حادثه را شرح داد.

به گزارش خبرنگار ما، دهم مردادماه سال ۹۳، مأموران پلیس در فاصله چند کیلومتری بررسی صحنه تصادف دو خودرو در جاده ملارد، جسد مرد جوانی را کشف کردند که ارتباطی با آن تصادف نداشت. آنها با بررسی مدارک شناسایی همراه جسد، دریافتند جسد متعلق به مرد ۲۹ ساله‌ای به نام غلام است که بر اثر عبور خودرو متلاشی شده اما اثری از خون یافت نشد. بنابراین شواهد نشان می‌داد آن مرد در محل دیگری به قتل رسیده و جسدش به حاشیه جاده منتقل شده است. با انتقال جسد به پزشکی قانونی پرونده با موضوع قتل عمد تشکیل شد. در تحقیقات اولیه، همسر مقتول به نام مریم تحت بازجویی قرار گرفت، اما او گفت از مرگ شوهرش اطلاعی ندارد تا اینکه در مراحل دیگر بازجویی به رابطه پنهانی‌اش با مرد ۳۰ ساله‌ای به نام نبی اعتراف کرد و گفت: نبی دوست صمیمی شوهرم بود و با همدستی او شوهرم را به قتل رساندم.

با اعتراف زن جوان، مأموران نبی را که به خاطر شکستگی پا در بیمارستان بستری بود، بازداشت کردند. نبی به مأموران توضیح داد: مریم با شوهرش اختلاف داشت و می‌خواست از او جدا شود. غلام راضی به طلاق نبود به همین خاطر مریم خواست با هم او را به قتل برسانیم.

متهم در ادامه گفت: چند روز قبل از حادثه، مقتول از من خواست همراه خانواده‌اش به شمال برویم به همین دلیل با نیسان پدرم آنها را سوار کردم و راهی شمال شدیم. در سفر من و مریم نتوانستیم غلام را به قتل برسانیم، به همین خاطر هنگام برگشت از مسافرت، از مقتول خواستم پشت فرمان بنشیند تا کمی استراحت کنم. وقتی از ماشین پیاده شد، مریم ماشین را خلاص کرد و از روی مقتول رد شدیم. او هنوز نفس می‌کشید که من چند بار از روی بدنش رد شدم. بعد از قتل، جسدش را در حاشیه جاده ملارد رها کردیم و به تهران رفتیم. با اقرارهای متهم، نبی به اتهام مباشرت در قتل و مریم به اتهام معاونت در قتل روانه زندان شدند و این پرونده به شعبه چهارم دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. در آن جلسه بعد از درخواست قصاص از سوی اولیای‌دم هر دو متهم بار دیگر ماجرا را شرح دادند، اما نبی خلاف اظهاراتش در دادسرا همکاری همسر مقتول در قتل را انکار کرد. در آخر بعد از آخرین دفاع، هیئت قضایی با توجه به درخواست اولیای‌دم نبی را به قصاص و ۹۹ ضربه شلاق محکوم کرد و مریم نیز از اتهام معاونت در قتل تبرئه و به خاطر رابطه نامشروع به چند ضربه شلاق محکوم شد. این حکم بعد از ارسال به دیوان عالی کشور توسط قضات شعبه ۱۷ دیوان نقض و به همان شعبه ارجاع داده شد. بنابراین پرونده روز گذشته روی میز هیئت قضایی شعبه چهارم دادگاه کیفری به ریاست قاضی عبداللهی قرار گرفت. ابتدای جلسه اولیای‌دم بار دیگر درخواست قصاص کردند، سپس همسر مقتول در جایگاه قرار گرفت و با انکار جرمش گفت: اظهاراتم در دادسرا به خاطر دیدن فرزند ۱۰ ماهه‌ام بود. مأمورها مرا از پسرم جدا کرده بودند و اجازه نمی‌دادند او را ببینم و به او شیر بدهم. حالا می‌گویم بی‌گناهم.

او در ادامه گفت: شوهرم مرد بی‌قید و بندی بود و حاضر بود برای پول مرا بفروشد. او بارها از نبی پول گرفته بود و مرا وادار می‌کرد با او ارتباط داشته باشم، اما من از ترس سکوت می‌کردم و حرفی نمی‌زدم. خانواده‌ام فهمیده بودند، اما به خاطر دو فرزندم چاره‌ای نداشتم و باید زندگی می‌کردم. زن جوان در ادامه گفت: وقتی از سفر شمال برگشتیم، همان شب نبی به خانه ما آمد و گفت شوهرم را به قتل رسانده است. او ماجرا را تعریف و تهدید کرد، اگر با کسی صحبت کنم، مرا هم خواهد کشت. از ترس قبول کردم، اما بعد از آن با پدرشوهرم تماس گرفتم و همه ماجرا را تعریف کردم.

بعد از آن، نبی در جایگاه حاضر شد و با قبول اتهامش گفت: مریم در این ماجرا بی‌تقصیر است. آن شب از او خواستم در این مورد با کسی صحبت نکند به همین دلیل کینه‌اش را به دل گرفتم و در اظهاراتم گفتم او نقشه قتل را کشیده و در صحنه قتل همراهم بود، اما او بی‌تقصیر است. متهم در ادامه گفت: به مریم علاقه‌مند شده بودم و از غلام خواستم با او ارتباط داشته باشم. غلام مخالفتی نکرد و هر بار به این بهانه از من پول می‌گرفت، اما مریم راضی نشد و هیچ وقت با من ارتباطی نداشت. روز حادثه وقتی از شمال برمی‌گشتیم، حالم خوب نبود و مقتول به من چند عدد قرص داد. وقتی آنها را خوردم، حالم بد شد و گیج شدم. برای خوردن ناهار کنار جاده نگه داشتم که مادر مریم معترض شد که چرا با من به مسافرت آمده‌اند. این بهانه‌ای شد تا آنها با ماشین دیگری برگردند و من تنها شدم. ساعتی بعد مقتول تماس گرفت و گفت تو حالت خوب نیست و نباید تنها رانندگی کنی. قبول کردم و با هم راهی تهران شدیم. در مسیر قرار شد پشت فرمان بنشیند که حین جابه‌جایی ماشین خلاص شد و از روی او رد شد. به خاطر خوردن قرص‌ها در حال خودم نبودم، به همین دلیل پیاده نشدم و سراغ او را نگرفتم. بعد از آن به خانه مریم رفتم و ماجرا را تعریف کردم و از او خواستم با کسی صحبت نکند. در پایان بعد از آخرین دفاع هیئت قضایی وارد شور شد.

قصاص و حبس مجازات زن و مرد خیانتکار

رابطه پنهانی مرد و زنی خیانتکار فرجامی جز قصاص و زندان برایشان نداشت.

به گزارش خبرنگار ما، تیرماه سال ۹۳ بود که زنی به مأموران پلیس خبر داد که شوهرش کامران گم شده است. او گفت: شوهرم امروز صبح از خانه بیرون رفت، اما دیگر برنگشت. گوشی تلفن همراهش هم خاموش است. شوهرم گفت که قصد دارد قطعه زمینی را معامله کند برای همین مقدار زیادی پول همراهش برد و حالا برای پیدا کردنش از شما کمک می‌خواهم. بعد از مطرح شدن شکایت، تحقیقات برای یافتن کامران به جریان افتاد تا اینکه چند روز بعد جسد وی در کانال آبی حوالی رباط کریم پیدا شد. اولین بررسی‌ها حکایت از این داشت که کامران در محل دیگری به قتل رسیده و سپس جسدش داخل کانال رها شده است.

کارآگاهان پلیس در تحقیقات میدانی از چند نفر تحقیق کردند، اما موفق نشدند تا سرنخی پیدا کنند. آنها در تحقیق از شهناز، همسر مقتول متوجه تناقض در حرف‌هایش و به وی مظنون شدند و متوجه شدند که او با مردی به نام شهریار ارتباط دارد. بعد از آن بود که شهناز و شهریار بازداشت شدند. آنها در بازجویی‌ها منکر رابطه با هم شدند، اما وقتی با شواهد پلیس مواجه شدند، راز قتل را فاش کردند. شهریار گفت: من ۲۰ سال قبل خواستگار شهناز بودم. برای اینکه با او ازدواج کنم، بارها به خواستگاری‌اش رفتم، اما موفق نشدم تا اینکه او همسر کامران شد. از اینکه شهناز به کامران جواب مثبت داده بود، ناراحت شدم و برای فراموش کردن او به سربازی رفتم. بعد از پایان سربازی هم با دختری آشنا شدم و با او ازدواج کردم تا اینکه چهار سال قبل شهناز با من تماس گرفت و گفت که از زندگی‌اش راضی نیست و قصد جدایی دارد. او گفت که شرایط زندگی دشواری که تحمل کرده تقصیر من است؛ چراکه اگر به خانواده‌اش اصرار بیشتری می‌کردم با هم ازدواج می‌کردیم. بعد از آن تماس بود که دوباره یاد گذشته افتادم و تماس‌هایمان با هم بیشتر شد تا اینکه شوهرش به رابطه ما پی برد. او چند بار من را تهدید کرد. پس از آن بود که شهناز پیشنهاد قتل شوهرش را مطرح کرد و گفت بهتر است که او را از سر راهمان برداریم وگرنه شوهرش من را خواهد کشت.

وقتی اصرار کرد، پیشنهادش را قبول کردم. او کلید خانه‌اش را به من داد و یک شب برای قتل وارد شدم، اما نتوانستم کامران را بکشم، به خاطر همین فردای آن روز کلیدها را برگرداندم. چند روز بعد از آن بود که شهناز به من خبر داد که شوهرش می‌خواهد دخترم را بکشد. او دوباره کلیدها را به من داد و خواست به خانه‌اش بروم و کامران را بکشم که قبول کردم. متهم ادامه داد: شب حادثه وقتی وارد شدم با جسد کامران مواجه شدم. ترسیدم و جسد را از خانه بیرون بردم و داخل ماشین گذاشتم. بعد به سمت رباط کریم رانندگی کردم، جسد را داخل کانال آب انداختم. با کامل شدن تحقیقات کامران و شهناز مجرم شناخته شدند و کیفرخواست علیه آنها صادر و پرونده به شعبه هشتم دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد.

بعد از اینکه قاضی اصغرزاده رسمیت جلسه را اعلام کرد، اولیای‌دم در جایگاه حاضر شد و برای متهم درخواست قصاص کردند. پدر مقتول گفت: وقتی مأموران پلیس از من سؤال کردند که آیا به عروسم مظنون هستم یا نه به آنها گفتم که او هرگز چنین کاری نمی‌کند. اصلاً فکر نمی‌کردم که او در قتل پسرم نقش داشته باشد، حالا هم می‌خواهم هر کس او را به قتل رسانده قصاص شود. در ادامه فرهاد ارتکاب قتل را انکار کرد و گفت: وقتی که وارد خانه شدم، قتل اتفاق افتاده بود. شهناز حتماً با همدستی یک نفر دیگر مرتکب قتل شده است. البته قبول دارم که جسد را از خانه بیرون بردم، اما نمی‌دانم که قتل را چه کسی انجام داده است.

شهناز اما حرف‌های شهریار را انکار کرد و گفت: شوهرم روز حادثه از خانه بیرون رفت و دیگر برنگشت. نمی‌دانم که چه کسی او را کشته است. هیئت قضایی بعد از ختم جلسه، شهریار را به اتهام قتل عمد به قصاص و شهناز را به اتهام معاونت در قتل به ۲۳ سال زندان محکوم کردند.

قتل صاحبخانه به خاطر یک میلیون تومان

مردی که متهم است صاحبخانه‌اش را به خاطر یک‌میلیون تومان به قتل رسانده است، بازداشت شد.

این حادثه هفتم تیرماه، در شهرستان تربت‌جام در استان خراسان رضوی اتفاق افتاد. بررسی‌های بعد از حضور پلیس در محل نشان داد که مرد ۳۸ ساله با اصابت ضربه چاقو هدف قرار گرفته و کشته شده‌است. بعد از آن بود که مأموران پلیس متوجه شدند که عامل قتل، مستأجر مقتول است که از محل گریخته است. مأموران پلیس در تحقیقات بعدی مخفیگاه متهم را در سیستان و بلوچستان شناسایی و او را قبل از فرار به افغانستان بازداشت کردند. متهم در بازجویی‌ها به جرمش اعتراف کرد و گفت: بعد از تخلیه خانه قرار شد که یک‌میلیون تومان پول اجاره را به صاحبخانه بازگردانم. سر این موضوع با او درگیر شدم و او را به قتل رساندم که سرانجام دستگیر شدم.

باز کردن چاه فاضلاب با یک کشته

استفاده از سنگ کاربیت برای باز کردن چاه فاضلاب در مشهد یک کشته و سه زخمی برجای گذاشت.

این حادثه ساعت ۲۲:۲۰ شامگاه جمعه در خیابان وحید مشهد اتفاق افتاد. وقتی آتش‌نشانان خود را به محل رساندند، معلوم شد خانه دو طبقه به علت شدت انفجار تخریب شده است. در بررسی‌های بعد معلوم شد که پدر خانواده جان خود را از دست داده‌است و همسر و دو دخترش هم که زخمی شده بودند، به بیمارستان منتقل شدند. در بررسی‌ها معلوم شد که ساکنان خانه برای باز شدن چاه فاضلاب اقدام به ریختن مقداری سنگ کاربیت داخل چاه طبقه منفی یک کردند و از خانه خارج شدند. لحظاتی بعد پدر خانواده اقدام به روشن کردن کبریت برای مشاهده داخل چاه کرد که حادثه مرگبار رقم خورد.

کشف حدود ۲ تن مواد مخدر در ایرانشهر

فرمانده انتظامی استان سیستان و بلوچستان از کشف یک تن و ۸۹۰ کیلو تریاک و انهدام یک باند قاچاق مواد مخدر خبر داد.

به گزارش خبرنگار ما، سردار حسین رحیمی گفت: تکاوران انتظامی شهرستان ایرانشهر یک باند از قاچاقچیان مسلح را که با خودروهای سنگین از نواحی مرزی مواد مخدر را به ایرانشهر منتقل می‌کردند، شناسایی کردند. وی گفت: وقتی کامیون وارد کمین تکاوران شد، با مشاهده مأموران، ضمن انجام حرکات مارپیچ از منطقه متواری شد که پس از مدتی تعقیب و گریز و هدف قرار گرفتن لاستیک‌های خودرو، مأموران موفق به توقیف آن شدند. سردار رحیمی گفت: در این عملیات دو قاچاقچی دستگیر و در بازرسی از کامیون، یک تن و ۶۵۵ کیلو تریاک که به طرز ماهرانه‌ای در بدنه آن جاسازی شده بود، کشف شد.

سردار رحیمی ادامه داد: تکاوران پلیس همچنین سه‌دستگاه خودرو سبک دیگر که حامل مواد مخدر بودند را در جریان عملیات مسلحانه توقیف و شش متهم را دستگیر و در بازرسی از خودروها ۲۳۶ کیلو تریاک را کشف کردند.

باشگاه حقوقی

بنچاق

در گذشته بنچاق به سندی عادی گفته می‌شد که قبل از تصویب قانون ثبت نوشته می‌شد. این سند معمولاً توسط کاتبان نوشته و به وسیله معتمدان و علمای دینی مهر و امضا می‌شد و افراد برای اثبات مالکیت خود، به آن استناد می‌کردند. بعد از اجرای قانون ثبت، بنچاق به سندی گفته می‌شد که پس از نقل و انتقال ملک، توسط دفتر اسناد رسمی تنظیم می‌شود و حاوی تمام جزئیات و متعلقات و مشخصات ملک است مانند قید شماره‌های مربوط به آب، برق و تلفن و مطالبی در بنچاق نوشته می‌شود که در دفترچه مالکیت نیست و برای دسترسی به مشخصات ملک، بهتر است هنگام انجام معامله، محتویات بنچاق مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. همچنین در صورت مفقود شدن بنچاق، المثنی صادر می‌شود. به این صورت که فرد می‌تواند به اداره ثبت و املاک مراجعه کند و فرمی به او داده می‌شود که به وسیله آن آگهی می‌شود و بعد از مرحله آگهی، سند تک برگی برای فرد صادر می‌شود.

آگهی فقدان سند مالکیت پلاک ۴۳۶۲-اصلی

آقای عبدالرحمن زارعی باستناد دو برگ استشهاد محلی که به امضاء شهود و به گواهی دفتر اسناد رسمی شماره ۳۳ زاهدان رسیده مدعی است که سند مالکیت سه دانگ مشاع از ششدانگ یک باب منزل پلاک ۴۳۶۲-اصلی واقع در بخش یک بلوچستان شهر زاهدان مورد ثبت شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۵۲۰۳۲۲۰۰۱۰۱۲۳۰۴ سند مالکیت به شماره چاپی ۹۰۶۷۶۰ الف ۹۴ بعلت اسباب کشی مفقود گردیده و نامبرده درخواست صدور سند مالکیت المثنی را نموده لذا مراتب باستناد ماده ۱۲۰ آئین نامه ثبت در یک نوبت آگهی میشود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم یا وجود سند مالکیت مذکور نزد خود می باشد از تاریخ نشر این آگهی ظرف ۱۰ روز اعتراض خود را به ضمیمه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره اعلام و رسید دریافت نمایند والا پس از انقضای مدت مذکور و نرسیدن واخواهی و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نشود نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد. / م الف: ۱۰۲۹

حسینعلی ملایی- رئیس ثبت اسناد و املاک زاهدان

آگهی دادنامه

پرونده کلاسه ۹۵۰۹۹۸۲۶۷۸۵۰۰۶۷۹ شعبه ۳۱ شورای حل اختلاف کرج (۴۸ سابق)- مجتمع شماره ۲ (شهید ملک زاده) تصمیم نهایی شماره ۹۶۰۹۹۷۲۶۷۸۵۰۰۱۲۶ *خواهان: خانم آرزو بابائی فرزند آیت اله به نشانی البرز- کرج میانجاده حیدرآباد خ عدل ک واصلی س مرجان واحد ۱۳ * خوانده: خانم زهرا عبدالوهابی فتیده فرزند ابراهیم به نشانی البرز- فردیس- نبش فلکه ۳ پاساژ کمالی واحد ۷ *خواسته‌ها: ۱- مطالبه خسارات دادرسی ۲- مطالبه خسارت تاخیر تادیه ۳- مطالبه وجه چک * رأی شورا: در خصوص دعوی خواهان آرزو بابائی به طرفیت خوانده زهرا عبدالوهابی فقیده به شرح دادخواست تقدیمی به خواسته مطالبه وجه یک فقره چک به میزان ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به انضمام خسارت تاخیر تادیه و همچنین هزینه دادرسی می باشد با عنایت به جامع اوراق پرونده مفاد دادخواست تقدیمی ملاحظه یک فقره چک به شماره ۹۰۱/۱۸۴۳۱۳۸۲ به مبلغ یکصد میلیون ریال و گواهی عدم پرداخت حسب اظهارات خواهان و عدم حضور خوانده علیرغم ابلاغ وقت دادرسی از طریق نشر آگهی و با بقا اصل چک در ید خواهان دلالت بر اشتغال ذمه خوانده دارد لذا دعوی خواهان مقرون به صحت تشخیص و مستندا به مواد ۲۲۱ و ۲۲۸ قانون مدنی و مواد ۳۱۰ الی ۳۱۳ قانون تجارت و مواد ۱۹۸ و ۵۱۹ و ۵۲۲ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی حکم بر محکومیت خوانده به پرداخت اصل خواسته به مبلغ یکصد میلیون ریال به انضمام خسارت تاخیر تادیه از سررسید ۹۵/۴/۲۷ لغایت اجرای حکم و همچنین هزینه دادرسی به مبلغ دویست و بیست و پنج هزار و پانصد تومان در حق خواهان محکوم می‌نماید و اعلام می‌گردد رأی صادره غیابی و ظرف مهلت ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این شعبه و ۲۰ روز پس از آن قابل تجدیدنظر خواهی در محاکم حقوقی کرج می باشد.

م.الف: ۹۶/۷۱۳/ف

محمد دارابیان - قاضی شعبه ۳۱ شورای حل اختلاف کرج

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۶۶۰۳۲۴۰۰۱۰۰۰۹۵۹ مورخ ۹۶/۲/۱۸ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بندر گناوه تصرفات مالکانه بلامعارض آقای اسماعیل مقدس زاده فرزند یدالله صادره از بوشهر را در ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۲۵۲/۶۹ متر مربع در قسمتی از پلاک ۹۱۷ واقع در امامزاده گناوه محرز گردیده است. لذا به منظوراطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد./ م.الف: ۳۰۳

تاریخ انتشارنوبت اول ۹۶/۳/۲۷ و نوبت دوم ۹۶/۴/۱۱

مجید امیری- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک گناوه

آگهی موضوع ماده ۳ قانون ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیتی ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۶۶۰۳۲۴۰۰۹۰۰۱۹۸۴-۱۳۹۶/۳/۱ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی بوشهر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای سجاد عباس زاده بایقوت فرزندحسین به شماره شناسنامه ۵۰۷۰۰۳۴۵۰۲ صادره از بوشهربه شماره ملی ۵۰۷۰۰۳۴۵۰۲ را در ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۱۴۰/۷۰ متر مربع پلاک۲۹فرعی از ۳۳۸۷ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک اصلی واقع در بخش دو بوشهر خریداری از مالک رسمی احمد رستمزاد محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد./ م.الف: ۵۴۰

تاریخ انتشار نوبت اول ۹۶/۳/۲۷ و نوبت دوم ۹۶/۴/۱۱

سهراب خواجه
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بوشهر

اداره ثبت اسنادواملاک حوزه ثبت ملک خورموج -هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان‌های فاقدسندرسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیتی ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۶۶۰۳۲۴۰۰۴۰۰۰۲۵۸ مورخ ۱۳۹۶/۲/۱۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک خورموج تصرفات مالکانه بلامعارض آقای علی فاتح پور فرزند حسین به شماره شناسنامه ۹۳۹ صادره از خورموج در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۱۳۷۹ مترمربع پلاک ۵۹۰ فرعی از ۲۱۸۷ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۲۱۸۷ اصلی قطعه ۹ بخش ۵ واقع در روستای سنا خریداری ازمالک رسمی اقای حسین فاتح پور محرز گردیده است. لذا به منظوراطلاع عموم مراتب دردونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادرخواهد شد. /م.الف: ۲۰۴

نوبت اول ۹۶/۳/۲۷ و نوبت دوم ۹۶/۴/۱۱

علی زنگنه نژاد- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان دشتی